

بررسی فقهی و حقوقی

حقوق خانواده

کتاب اول

کمال

محمد ابراهیم قزوینی



انتشارات راه نوین

سرشناسه: ابراهیم قزوینی، محمد ۱۳۶۰ عنوان قراردادی: ایران، قوانین و احکام

و نام پدید آور: بررسی قضی و حقوقی حقوق خانواده ابراهیم قزوینی، مشخصات نشر: تهران: راه نوین: ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ج. یادداشت: کتابخانه بکبک ج. ۱: ۶-۵۷-۵۲۰۵-۶۰۰-۶۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا مندرجات: کتاب اول، نکاح- موضوع: حقوق خانواده- ایران

موضوع: حقوق خانواده (نص) موضوع: زناشویی- قوانین و مقررات- ایران

رده بندی کنگره: ۳۲۱۰ ب ۳۲۰ ق ۵۲۰ KMF رده بندی دیویی: ۳۲۶/۵۵۰۱۶

شماره کتابشمار ملی: ۳۳۸۲۸۶۱

بررسی قضی و حقوقی حقوق خانواده

کتاب اول

نکاح

مؤلف: محمد ابراهیم قزوینی نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰ چاپ و مصافی: تصویر چاوش

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد قیمت: ۸۲۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه رشتی، شماره ۳۸، طبقه ۲، واحد ۵ تلفن: ۶۶۵۷۳۱۱۵-۶

۱۶.....	پیشگفتار
۲۰.....	مقدمه
۳۰.....	باب ۱ - نکاح
۳۰.....	نکاح
۳۰.....	معنای لغوی نکاح
۳۰.....	تعریف نکاح
۳۲.....	تفاوت عقد نکاح با سایر عقود
	فصل اول - خواستگاری
۳۵.....	خواستگاری
۴۰.....	نامزدی
۴۱.....	وضعیت هدایای نامزدی
۴۲.....	مرگ یکی از نامزدها
۴۴.....	لزوم ارایه‌ی گواهی پزشکی
	فصل دوم - خاصیت صحی برای ازدواج
۴۷.....	نکاح قبل از بلوغ
۵۵.....	اجازه‌ی ولی قهری در نکاح دختر کبیر

غیبت ولی قهری..... ۵۹

فصل سوم - موانع نکاح

محرم نسبی..... ۶۱

شرایط قرابت رضاعی..... ۶۶

محارم سببی..... ۸۳

منع جمع دو خواهر..... ۸۹

لزوم اذن نکاح با دختر برادر یا خواهر او..... ۹۲

حرمت نکاح با زن شوهردار..... ۹۸

اثر لعان در انحلال و حرمت نکاح..... ۱۰۲

بطلان نکاح در حال احرام..... ۱۰۷

زنا با زن شوهردار یا معتده..... ۱۰۹

اثر نزدیکی به شبهه و زنا سابقاً و لاحقاً..... ۱۱۲

حرمت ناشی از عمل شنیع..... ۱۱۴

حرمت مشروط ناشی از سه طلاق..... ۱۱۶

حرمت ابدی ناشی از نه طلاق..... ۱۳۰

حرمت نکاح با غیر مسلمان..... ۱۳۲

ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه خارجه..... ۱۴۵

شرایط ازدواج مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین با زن تبعه خارجه..... ۱۴۸

قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه..... ۱۴۹

فصل چهارم - شرایط صحت نکاح

۱۵۱	ایجاب و قبول
۱۵۵	ایجاب و قبول به اصالت و نیابت
۱۵۷	اهلیت عاقد
۱۵۸	لزوم توالی ایجاب و قبول
۱۶۰	انعقاد نکاح با اشاره
۱۶۱	لزوم تعیین زوج و زوجه
۱۶۴	بطلان عقد به واسطه‌ی تعلیق
۱۶۶	شرط خیار برای فسخ نکاح و مهر
۱۷۲	عقد ناشی از اکراه

فصل پنجم - وکالت در نکاح

۱۷۵	امکان توکیل
۱۷۷	صور مختلف توکیل از سوی زوجه
۱۸۰	تخلف از وکالت و عدم رعایت مصلحت

فصل ششم - نکاح منقطع

۱۸۵	نکاح منقطع
-----	------------

فصل هفتم - مهر

۱۹۵	شرایط مهر
۲۰۰	لزوم معلوم و معین بودن مهر
۲۰۳	تراضی در مقدار مهر

۲۰۶	فساد شرط مربوط به بطلان نکاح در اثر عدم تادیه‌ی مهر
۲۱۴	شرط مدت یا تقسیط مهر
۲۱۵	تلف و عیب مهر
۲۲۰	حق حبس زن و اثر تمکین ارادی
۲۲۵	تراضی بر مهر بعد از عقد و اثر فوت بر مهر قبل از تراضی و نزدیکی
۲۲۹	تفویض اختیار تعیین مهر
۲۳۲	تعیین نوع و مقدار مهرالمثل
۲۳۴	اثر طلاق قبل از نزدیکی
۲۳۹	مهر المته
۲۴۰	نحوه‌ی تعیین مهرالمته
۲۴۲	تعیین مهر، مقتضای نکاح منقطع
۲۴۴	اثر فوت در نکاح منقطع
۲۴۵	اثر بذل تمام مدت در نکاح منقطع
۲۴۶	اثر بطلان عقد در مهر
۲۴۹	اثر بطلان مهر تعیین شده
۲۵۳	سقوط مهر با فسخ، قبل از نزدیکی

فصل هشتم - حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

۲۵۵	ایجاد رابطه‌ی زوجیت
۲۵۶	حسن معاشرت
۲۵۸	معاضدت در تشدید مبانی خانواده

۲۵۹	سرپرست خانواده
۲۶۰	نفقه و حدود آن
۲۶۴	اثر نشوز زن بر استحقاق نفقه
۲۶۶	نفقه‌ی مطلقه و حامل از زوج
۲۶۸	نفقه در عده‌ی وفات
۲۶۹	نفقه‌ی مفقودالاثر
۲۷۱	الزام زوج به دادن نفقه
۲۷۲	عدم امکان اجرای حکم الزام
۲۷۳	نفقه در عقد منقطع
۲۷۳	حق انتخاب مسکن
۲۷۵	اختیار مسکن برای زوجه در اثر خوف ضرر
۲۷۶	منع زوجه از اشتغال
۲۷۷	استقلال مالی زوجه
۲۷۸	شروط ضمن عقد
۲۸۱	فصل نهم - پرسش‌های حقوقی
۳۱۷	پیوست شماره ۱ - مواد قانونی
۳۳۵	پیوست شماره ۲ - قانون حمایت خانواده
۳۴۸	پیوست شماره ۳ - آیین‌نامه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیرایرانی
۳۵۳	پیوست شماره ۴ - صیغه‌های مفصل
۳۵۶	منابع و مأخذ

پیشگفتار

آن کس که ز شهر آشنایی است داند که متاع ما کجایی است

مجموعه‌ای که پیش روی شماست، جلد اول از مجموعه ۳ جلدی بررسی فقهی و حقوقی، حقوق خانواده (نکاح، طلاق، وصیت و ارث) می‌باشد که به مدد لطف و کرامت خداوند متعال و عنایت خاص و کریمانه اربابان فقاہت یعنی اهل بیت (ع) به ویژه حضرت فاطمه (س) گردآوری شده است.

امید دارم این جستاره صدقه‌ی جاریه‌ای باشد، برای روزگاری که انسان به چیزی دسترسی ندارد. چرا که پیغمبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «همانا مؤمن آنگاه که بمیرد و از او ورقی به یادگار بماند که در آن علمی نوشته شده باشد، آن ورق سپر و پوشش بین او و آتش خواهد بود، و خدای بزرگ در مقابل هر حرفی که در آن است شهری بزرگتر از دنیا و آنچه در آن است به او خواهد داد»^۱.

در تدوین این اثر بر رعایت نکاتی سعی نمودم، به نحوی که؛ یکی از افتخارات من در تحقیق و تدوین این اثر، پرهیز از بکارگیری منابعی است که شاید با مبانی دینی ما سازگار نباشد. اگر چه استفاده‌ی از این گونه منابع در علوم انسانی موجب تفاخر برخی از صاحبان قلم و صاحب نظران می‌باشد، اما رهنمودهای مقام معظم رهبری درخصوص حوزه‌ی علوم انسانی، موجب نگارش این مجموعه کتاب براساس قرآن، روایات واصله از معصومین و فقه امامیه شد، چرا که ایشان فرمودند: «پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد». علاوه بر آن مبحث خانواده تماماً از فقه امامیه و نظر مشهور فقها تبعیت می‌نماید و اساساً قوانینی که در تعارض با شرع مقدس باشد، توسط شورای محترم نگهبان بازخوانی و بررسی و نهایتاً تجدید نظر شده است. بنابراین به نظر می‌آید دیگر دلیلی بر بکارگیری از این گونه منابع در تشریح و توضیح قوانین مدنی نباشد.

البته من مخالف تتبع و تحقیق و مقایسه قانون مدنی کشورمان با قوانین سایر کشورها نیستم، چرا که این مطالب یعنی «حقوق تطبیقی» می‌تواند خود باعث شکوفایی قوه استدلال اهل علم شود. اما آنچه مسلم است برای شرح و توضیح قوانین بهتر است از متون و منابع اصیل فقهی و نظر مشهور فقها به عنوان مرجع استناد و استشهاد، استفاده گردد.

در ضمن برای تسهیل در فرایند یادگیری و تحقیق و بکارگیری اصولی از قوانین در این اثر، شرح ماده به ماده قوانین مورد نظر قرار گرفت.

امید است این مجموعه مورد عنایت ارباب فقاقت حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد. «انشاءالله»

لازم به ذکر است اینجانب ادعایی بر بی‌عیب و نقص بودن این مجموعه گردآوری شده ندارم بنابراین از اندیشمندان، فضلا، اساتید، طلاب و دانشجویان

عزیز خواستارم با نظرات و انتقادات اصلاحی خود این حقیر را درآمد، تحقیق یاری نمایند. در پایان از کلیه دست‌اندرکاران حوزه نشر و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی در انتشارات راه نوین به ویژه مدیر مسئول فرهیخته و نیک‌اندیش آن آقای کاوه صدیقی و همچنین از دیگر دوستان که مرا در تدوین و تالیف این اثر یاری نمودند به ویژه خانم فاطمه بیکدلو که در ویرایش علمی و ادبی این اثر مرا یاری کردند قدرشناسی می‌کنم.

والسلام علی من ینعم الحق لغات الحق

محمد ابراهیم قزوینی

زمستان ۸۹

www.ketab.ir

مقدمه

قبل از تعریف خانواده لازم است به سیر تحولاتی خانواده در قرون و اعصار گذشته و در تمدن‌های مختلف بپردازیم که این امر می‌تواند مقایسه‌ای باشد با تعریف خانواده از منظر اسلام.

همان‌گونه که گرسنگی و عشق اختیاجات اساسی انسان را تشکیل می‌دهد، به همان صورت نیز وظایف اساسی یک سازمان اجتماعی عبارت است از پیش‌بینی در مورد امور اقتصادی و حفظ نوع، از لحاظ زیست‌شناسی، به همین جهت است که جریان پیوسته عمل توالد و تناسل همان اندازه ضرورت دارد که تضمین دائمی موادی که باید به مصرف خوراک برسد. همیشه در کنار نظامات خاص اجتماعی که به منظور تامین آسایش مادی است، مقررات دیگری وجود دارد که کار آنها ادامه بقای نسل بشر است. تا آن وقت که دولت مرکز و سرچشمه دائمی نظم اجتماعی شود، عمل دقیق تنظیم روابط میان دو جنس زن و مرد از جوف ریشه‌دارترین سازمان تاریخی، یعنی خانواده، باقی و برقرار مانده است.

اما قبل از بررسی نیاز به خانواده آنچه مسلم است در حیوانات پست به هیچ وجه غم و اندیشه تولید مثل نیست، حیوان ماده تخم فراوان می گذارد، که بعضی از آنها زنده می ماند و رشد می کند و قسمت عمده آن خورده می شود یا از بین می رود. بسیاری از ماهی ها، در سال تا یک میلیون تخم می گذارند، و عده کمی از آنها، که توجه به تخم خود دارند بیش از پنجاه تخم در سال نمی ریزند. توجه مرغ به جوجه خود بیش از ماهی است، و عدد تخم هایی که برای بچه آوردن می گذارد پنج تا دوازده تغییر می کند، اما حیوانات پستاندار، که از اسمشان پیداست که به چه اندازه توجه به بچه های خود دارند، به طور متوسط، هر کدام در سال ۳ فرزند بیشتر نمی آورند.

چیزی که مسلم است در این زمان، هنوز تولید مثل یک امر غریزی است و حتی می توان گفت: مرد مانند حیوانی تلقی می شود که طبیعت، او را برای تولید مثل برمی انگیزد بدون آن که در صدد باشد بداند که چه چیز علت است و چه چیز معلول آن! مردم جزیره «تروبریانده» آبستنی زن را نتیجه روابط جنسی نمی دانند، بلکه علت آن را روح یا شیخ می دانند که در شکم زن وارد می شود و خیال می کنند که شیخ هنگام استحمام به شکم او راه می یابد و در این قبیل موارد، دختر می گوید: «ماهی مرا گزید» مالیندوسکی نقل می کند «وقتی می پرسیدم که پدر این طفل کیست؟ هر یک از آنان می گفتند: که این طفل پدر ندارد، زیرا مادر او هنوز ازدواج نکرده!

در اجتماعات اولیه، زن خیلی به ندرت به فکر آن بوده است که بداند پدر طفلش کیست، طفل، طفل آن زن به شمار می رفته و خود آن زن متعلق به شوهری نبوده، بلکه به پدر و یا برادر یا قبیله خود تعلق داشته و با آنان می زیسته است.

رابطه میان زن و مرد و حتی فرزندان، در جامعه های اولیه، به اندازه ای ضعیف بوده که در بسیاری از قبایل دو جنس زن و مرد از یکدیگر جدا زندگی می کنند. در

استرالیا و گینه جدید و آفریقا و میکرونزی و آسام و بیرمانی و هم‌چنین در نزد طوائف آلتوت و اسکیمو و در بسیاری از جاهای دیگر هنوز قبائلی دیده می‌شوند که زندگانی خانوادگی در نزد آنان معنی ندارد. در شمال «پایوا» هرگز مجاز نیست که مردی را با زنی در جاهای عمومی ببینند، ولو این که آن زن، مادر فرزندان وی باشد، در تاهیتی اصلاً خانواده مفهومی ندارد!

بنابراین ساده‌ترین صورت خانواده عبارت می‌شود از زنی که با فرزندان خویش، در قبیله اصلی خود با مادر و برادرانش به سر می‌برند که این شکل خانواده نتیجه طبیعی حیوانی بودن روابط میان زن و نوزاد وی و جهل او نیست به اهمیت حیاتی مرد در عمل تولید مثل بوده است.

در اجتماعات اولیه قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است. نه به دست مردان، در طی قرن‌های متوالی که مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکارورزی اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه کشاورزی را توسعه می‌داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شده است. از پنبه که به گفته یونانیان «درخت پشم» است، همین زن اولیه نخست ریسمان و بعد از آن پارچه را اختراع کرد.

با ظهور خانواده‌های پدر شاهی ضربت محکمی برای از بین رفتن سلطه زن ایجاد شد. از این به بعد بود که زن و فرزندانش عنوان مملوک پدر یا برادر بزرگ، و پس از آنان، شوهر او را پیدا کردند. برای زناشویی، همان‌گونه که غلام و کنیز را در بازار می‌خریدند، زن را نیز می‌خریدند و هنگام وفات شوهر، زن نیز مانند انواع دیگر دارایی وی به میراث می‌رفت و در بعضی از مناطق مانند گینه جدید و هبریز جدید و فیجی، زن را خفه می‌کردند و با شوی مرده در گور می‌گذاشتند و یا از وی می‌خواستند که خود را بکشد تا در حیات آن جهانی به خدمت شوهر قیام کند.

در روسیه قدیم، هنگامی که پدری دختر خود را به خانه شوهر می‌فرستاد او را با تازیانه‌ای می‌زده و پس از آن، تازیانه را به داماد خود می‌داده تا بدین ترتیب، نشان دهد که تنبیهات لازم از این به بعد به دست کسی اجرا خواهد شد که جوانتر و نیرومندتر است.

در میان تمام سیاهان آفریقایی زن و کنیز تفاوتی نداشته‌اند جز آن که از زنان فایده و لذتی می‌برند که کاملاً اقتصادی به شمار نمی‌رفته است. ازدواج، در ابتدای پیدایش، نوعی از مالکیت و قسمتی از نظام اجتماعی بوده که سازمان بندگی و غلامی بر طبق آن جریان پیدا می‌کرده است.

چون هیچ اجتماعی بدون آن که نظمی در آن برقرار باشد قابل دوام نیست به این جهت، می‌توانیم عرف و عادت را به عنوان یکی از قوانین تاریخ بپذیریم. عرف و عادت عبارت است از قراردادهایی که در نسل‌های متوالی بر وفق سنت انتخاب طبیعی که کارش انتخاب بهتر و از بدون فاسد است مورد قبول قرار گرفته است در اجتماعات اولیه که از قانون نوشته و مدون اثری نیست، همین عرف و اخلاق اساسی تنظیم اعمال بشری به شمار می‌رود و پایداری و پیوستگی نظم اجتماع را تامین می‌کند.

نخستین وظیفه‌ی آداب و رسوم اجتماعی، که سازنده‌ی قوانین عرفی و اخلاقی هر اجتماع است، آن است که روابط میان دو جنس مرد و زن را بر پایه‌های متین استوار سازد. چرا که این روابط پیوسته متشاء نزاع و تجاوز و انحطاط به شمار می‌رود. اساسی‌ترین عمل تنظیم این روابط همان ازدواج است که می‌توان آن را به عنوان یک جفت زن و مرد برای بهبود و پیشرفت نسل آینده تعریف نمود. سازمان ازدواج، براساس مکان و زمان، همیشه اشکال مختلفی پیدا کرده و به هر صورتی که تصور شود درآمده است. این اشکال مختلف از صورتی آغاز شده است که در آن

مردم اولیه فقط برای توجه به نسلی که به وجود آمده همسر یکدیگر می‌شدند، بدون آن که در زندگی، بین دو همسر اتحادی فراهم آید، و به صورتی رسیده است که در دوره جدید می‌بینیم که در آن زن و شوهر تنها برای انبازی در معیشت با یکدیگر همسر می‌شوند، و نسبت به پیدایش فرزند چندان توجهی ندارند. ازدواج از ابداعات غریزی نیاکان ما بوده است و اکنون یکی از سازمان‌های پیشرفته اجتماعی بشر شده است.

البته با کمی کاوش در زندگی اجتماعی بشر می‌توان اجتماعاتی را پیدا کرد که در آنها ازدواج مرسوم نباشد. حلقه‌ی اتصال میان آنها در بی‌نظمی جنسی شکل گرفته است.

در فوتونا، از جزایر هریز جدید، و در جزایر هاوایی بیشتر مردم اساساً ازدواج نمی‌کنند، در قبیله‌ی لوبر، زن و مرد بدون این که کمترین توجهی به ازدواج داشته باشند، با یکدیگر نزدیکی می‌کنند و هیچ قاعده و قانونی در کارشان نیست، همینطور برخی از قبایل بورنئو حیات جنسی خود را می‌گذرانند، بی‌آن که متوجه رابطه‌ای باشند که دو هم‌خوابه را به یکدیگر متصل می‌سازد، به هم‌بیل دلیل جدا شدن همسر در نزد آنها بسیار ساده‌تر از جدایی یک جفت پرنده است!

اگر چه این کمونیسم جنسی خیلی زود از میان رفت اما یادگارهایی از آن در اذهان به صورت‌های مختلفی باقی است به عنوان مثال کارناوالها و جشن‌های آزادی جنسی و در برخی مناطق که به صورت موقت خود را از قیود جنسی می‌رهانند نمونه‌هایی از به جای مانده‌های افکار کمونیستی است.

آزادی پیش از ازدواج در قبیله‌ی سویوت سیری و قبیله‌ی ایگوروت فلیپین در میان اهالی بیرمانی شمالی و در نزد قبایل نیجریه و اوگاندا و گرجستان و جزایر

ماری وجود داشت و طبق آن دختران و پسران جوان آزادانه با یکدیگر می‌آمیزند و این عمل به هیچ وجه مانع ازدواج آنها نمی‌شود.

سوال اینجاست که چه چیز سبب شد که مردم تک همسری را به آن صورت بی‌نظم اولیه ترجیح دهند؟ شاید پایان گرفتن جنگ‌های قبیله‌ای که عمده‌تاً نتیجه‌ای جز کشته شدن مردان به عنوان مدافع حقوق قبیله و همچنین زندگی کشاورزی که حالت ثباتی دارد و مخاطرات کمتری که متوجه مردان است سبب شده تعداد مردها و زنها به یکدیگر نزدیک شود و این امر باعث ایجاد حس غیرت نسبت به زن خود و حرص زن برای نگهداری شوهر خود باشد و این جز با رویه تک همسری محقق نمی‌شود. با شروع شدن فصل جدیدی از خانواده و ازدواج روش انتخاب همسر نیز طبق اصل تک همسری تغییر کرد، چنان‌چه شکل متوسطی از زناشویی در جزیره ملانزی دیده می‌شود و آن این است که پس از ربودن عروس، با پرداخت مبلغی مال به خانواده‌ی او، زناشویی را که از راه سرقت انجام شده مشروع و قانونی می‌سازند. در گینه جدید مرد عروس خود را می‌رباید و پنهان می‌شود و در عین حال، دوستان خود را نزد خانواده عروس می‌فرستد تا قیمت عروس را با آنها طی کنند.

از یک مادر قبیله مانویری حکایت می‌کنند که زارزار می‌گریست و به مردی که دخترش را ربوده لعنت می‌فرستاد، اما هنگامی که داماد نزد او می‌آید و یک پتو به عنوان هدیه به وی می‌دهد، می‌گوید: «این چیزی است که می‌خواستم، و برای همین بود که می‌گریستم». ولی معمولاً قیمت عروس بیش از یک پتو بوده است چنان‌چه در میان قبیله هوتتوت، یک گاو نر یا ماده، در قبیله کرو، سه گاو و یک گوسفند، و در میان توگوها، هدیه‌ای نقدی معادل ۱۶ دلار و هدیه‌ای جنسی به ارزش ۶ دلار، اما آنچه مسلم است این مقدار بر حسب مقام خانواده عروس متغیر بود.

در برخی از قبایل نیز رسم چنان بود که پدر عروس، در مقابل هدیه یا پولی که از داماد می‌گرفت هدیه‌ای نیز به او می‌داد. که رفته رفته مقدار آن ترقی کرده و به اندازه‌ی هدیه‌ی داماد رسیده است. پس پدران ثروتمند از آن بیشتر رفته و بر مبلغ هدیه افزوده‌اند تا دختران خود را به بهترین شوهر تزویج نمایند. به این ترتیب قضیه همراه کردن جهیز با عروس به میان آمد در واقع این دفعه پدر عروس است که داماد را می‌خرد یا لااقل دو عمل خرید پهلوی به پهلوی یک دیگر سیر می‌کند.

اما آنچه مسلم است و تاریخ را نسبت به گذشته‌ی سیاه خود متمایز می‌کند این است که بیشترین ادیان الهی بدون استثناء در تعالیم انسان ساز و پر بدعت خود فصل کاملی را به آموزش اصول و قواعد و تنظیمات خانواده اختصاص داده‌اند. این رویه مسعود در طی روند تکوینی و تکامل خود در شریعت مقدس اسلام که به عنوان آخرین و کاملترین برنامه‌ی سعادت بشر از سوی خداوند می‌باشد به حُلّ اعلی و تکامل خود رسیده است. چنانچه از پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) روایت شده است که فرمودند: «درهای رحمت آسمان در چهار مورد گشوده می‌گردد، در هنگام آمدن باران و هنگام نگاه کردن فرزند به چهره پدر و هنگام گشودن درب کعبه، و هنگام ازدواج^۱ و نیز از رسول گرامی خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: «در اسلام هیچ بنایی نزد خدا بنا نشده است که محبوب‌تر از خانواده باشد^۲». و ایشان هیچ‌گاه به زن با دید ابزاری نگاه نکردند و در این مسیر محبت کارهای سخت و طاقت فرسا را از دوش زن برداشتند، چنانچه ایشان در روایتی می‌فرمایند: «زن همانند گل لطیف است و هیچگاه نباید مانند قهرمان با او رفتار کرد^۳».

۱- مستدرک الوسائل، ۵۳۱/۲

۲- لنالی الاخبار، ۲۱۸/۳

۳- النساء ریاحنه و لیس بالقهرمانه (نهج البلاغه).

خانواده در نظام مقدس اسلام آموزه‌ای است از عشق، علاقه، ایمان، اخلاق، وفا، صداقت، شور، شعور ادب، حیا، غیرت، احسان و ارزش، چنانچه به تعبیر قرآن زن و مرد لباس هم می‌باشند.^۱

با این تعبیر خداوند خواسته زن و شوهر به عنوان تشکیل دهنده اساس خانه و خانواده را به متحد شدن و یکی شدن فرا خواند، چرا که این دو مکمل یکدیگرند و ایجاد اتحاد بین زن و مرد یعنی پیشرفت اهداف خانواده، پس با این تعبیر قرآنی رابطه زن و مرد یک رابطه فوق سازمانی با آن شکل و شمایل خشک قانونی می‌باشد و این رابطه، رابطه‌ای است که اخلاق به عنوان شالوده زندگی حرف اول را می‌زند چرا که کمترین کاری که «لباس» انجام می‌دهد! پوشش و عیب‌پوشی است پس در حقیقت قرآن با استعاره‌ای زیبا خواسته به زن و مرد این مطلب را گوشزد کند که در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است و زن ساتر مرد است و این ستار بودن از صفات خدا می‌باشد که این همان دعوت نهاد خانواده به اخلاق می‌باشد.

بنابراین دستورات آمرانه و احکام حقوقی محض با روح سازش و حریم عاطفی و اخلاقی خانواده در تعارض است و به مدد این گونه قوانین خشک نمی‌توان ایجاد نظم و آرامش کرد. چه بسا وجود این دستورات آمرانه خود موجب بروز اختلاف و کارشکنی باشد. به عنوان نمونه اگر براساس قوانین، زن در برابر کار در منزل از شوهر خود دستمزد بخواهد و یا در مقابل شیردادن به طفل خود از شوهر دستمزد طلب کند و یا شوهر نیز در برابر پولی که به عنوان نفقه به زن می‌دهد اطاعت و تمکین طلب کند، برای این خانواده فرجامی جز تباهی را نمی‌توان انتظار داشت. بنابراین اگر در پی آن باشیم که سنت‌ها را به دور افکنیم و قانون را جایگزین آن

کنیم در واقع آن را میان تهی و پوچ ساخته‌ایم که البته این امر با آموزه‌های دینی و اصول وجود خانواده در تعارض است.

پس می‌توان گفت عشق و علاقه و فداکاری و صداقت و ... زیر بنا و شالوده خانواده می‌باشد، چرا که عاشق صادق، در راه معشوق به خود نمی‌اندیشد و منافع معشوق را همیشه بر منافع خود ترجیح می‌دهد.

البته این بدان معنی نیست که قانون در خانواده هیچ نقشی ندارد زیرا همواره کسانی را می‌توان یافت که جز به زور قانون تسلیم نمی‌شوند، اما باید توجه داشت که قانون همیشه آخرین راه است نه اولین راه حل! به امید آن روزی که قانون حمایت از خانواده به معنای واقعی کلمه از کیان و عزت و قداست و احترام خانواده حمایت کند!

www.ketabip



باب

• نکاح

• معنای لغوی نکاح

• تعریف نکاح

• تفاوت عقد نکاح با سایر عقود

نکاح

گروهی از علمای علم نحو، نکاح را مصدر ثلاثی از ریشه نَكَحَ، يَنْكِحُ (يَنْكَحُ). دانسته‌اند، که مصدر آن نَكَحَ (و یا نکاح) می‌باشد. اما برخی دیگر نکاح را اسم مصدر هم می‌گویند، زیرا، انکحَ، يَنْكِحُ، انکاح (فعل مصدر) که اسم مصدر آن نکاح می‌باشد. اگر نکاح اسم مصدر باشد فعل مصدر آن انکاح است چرا که می‌گوییم:

«قَبِلْتُ نَكَاحَ وَ التَّزْوِيجَ ...»

نَكَحَ در اصل ماضی و متعدی از نکاح می‌باشد، زیرا داریم: «نَكَحَ زَيْدٌ زَيْنَبًا» نَكَحَ مجرد، متعدی به مفعول واحد است که برای تاکید و شدت بخشیدن به آن به باب افعال می‌رود تا دو مفعوله شود.

معنای لغوی نکاح

لفظ نکاح از "الفاظ مشترک"^۱ می‌باشد که معانی زیر را برای آن آورده‌اند:

(الف) نکاح به معنی وطی.

(ب) نکاح به معنی عقد.

(ج) نکاح به معنی غلبه (غالب شدن).

(د) نکاح به معنی مقابله دو چیز.

بحث در مورد معنای نکاح از این جهت حائز اهمیت است که معانی مختلف بار فقهی و حقوقی متفاوتی دارند. به عنوان نمونه در آیه‌ی «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ...»^۲

۱- الفاظ مشترک: لفظ واحد معنا متعدد در مقابل الفاظ مترادف که در آن لفظ دو تا معنی یکی است.

۲- سوره‌ی نساء آیه‌ی ۲۲